

آموزش بانوان

در

کشورهای

در حال توسعه

فواید اقتصادی و اجتماعی تحصیل بانوان بسیار مهم و شایان توجه می‌باشد. در حال حاضر در بیشتر کشورهای در حال توسعه هم خانواده‌ها و هم اجتماع برای تحصیل دختران سرمایه‌گذاری کمتری می‌کنند. این مقاله موانع و قیود تحصیلی زنان را به طور اجمال بیان نموده، ضمن بررسی این مشکلات، روشهای قابل اجرا در زمینه افزایش فرصتهای تحصیلی زنان را عرضه می‌کند.

● اشتغال دختران به تحصیل، زمان ازدواج آنان را به تأخیر می‌اندازد و تحصیلکرده بودن مادران در امر کنترل مولید هم مؤثر است.

● تجربه نشان می‌دهد که دختران، مدارس دخترانه را به مدارس مختلط ترجیح می‌دهند و به علاوه، مدارس دخترانه باعث می‌شود که قوه درک و موفقیت‌های تحصیلی دختران افزایش یابد.

● اجباری شدن تحصیل، حذف شهریه، تأمین کتاب و غذا و حتی پرداخت کمک‌هزینه تحصیلی، در افزایش نرخ نام‌نویسی تأثیر دارند.

تحقیقات فراوان در ۲۰ سال گذشته به طور متقاعدکننده‌ای نشان می‌دهند که تحصیل زنان، در امر کنترل مولید و تشکیل خانواده‌های کوچکتر کمک می‌کند و پدران و مادران تحصیلکرده دارای فرزندان سالم‌تری می‌باشند. با وجودیکه تحصیل پدر اثرات زیادی در سلامت و رشد فرزندان دارد؛ اما تحصیل مادر دارای تأثیرات بیشتر و مهمتری است. تحقیق و بررسی در برخی از روستاها نشان می‌دهد که داشتن تحصیلات در سطح

ابتدایی و دبیرستان، به امر کنترل مولید کمک بسزایی کرده و به علاوه، شرکت زنان تحصیلکرده در بازار کار و در نتیجه افزایش رشد درآمدی خانوار، باعث کاهش فقر و تنگدستی می‌شود.

طی سالهای ۱۹۸۷ - ۱۹۶۵ بررسی شایان توجهی در زمینه ثبت نام سراسری در سطح آموزش ابتدایی و دبیرستانی در کشورهای در حال توسعه انجام گرفته و این نتیجه بدست آمده است که نرخ ثبت نام زنان در سطح آموزشی دبیرستان نسبت به آموزش ابتدایی افزایش بیشتری داشته است. البته در این مورد تفاوتها و شکافهای ناحیه‌ای و منطقه‌ای نیز قابل توجه و بیان می‌باشد. در این زمینه، یک شکاف عمده در خاورمیانه، صحرای آفریقا و آسیای جنوبی مشهود است. در آمریکای لاتین - به جز بولیوی، گواتمالا و

هاییتی - این شکاف بسیار جزئی است. میانگین‌های منطقه‌ای فقط قسمتی از موضوع را بیان می‌نمایند. اطلاعات کشورهای مختلف نشان می‌دهد که حتی در مناطقی که نرخ ثبت نام افزایش می‌یابد، لزوماً تعادلی به چشم نمی‌خورد. برخی از کشورها نرخ تعادلی در سطح مدارس ابتدایی را با میانگین ثبت نامی در حدود ۶۰ درصد حفظ کرده‌اند؛ اما بسیاری از کشورهای دیگر بدون توجه به نرخ تعادل، دارای میانگین ثبت نامی در حدود ۸۰ درصد می‌باشند و این عدم تعادل در سطوح بالاتر آموزشی بیشتر به چشم می‌خورد.

تحقیقات نشان می‌دهد که درآمد سرانه، این برابری و تعادل را لزوماً تضمین نمی‌نماید، هر چند که باعث توسعه ثبت نام گردد. در سطوح پایین درآمد، نرخ نامنویسی و تعادل زنان دارای بیشترین تغییر و دگرگونی است.

این کشورها اصولاً ۳ تا ۴ درصد از درآمد ناخالص ملی خود را به امر تحصیل اختصاص می‌دهند. در این میان، کشورهایمانند سریلانکا و جمهوری کره دارای بهترین مجریان، بالاترین نرخ ثبت نام و تعادل بیشتر بوده و برخی دیگر مانند لیبریا و مالی دارای بدترین مجریان، پایین ترین نرخ نامنویسی و بیشترین عدم تعادل می‌باشند.

قیود و فشارهای موجود در امر تحصیل زنان:

بررسی‌ها نشان می‌دهند که اگر اشتغال دختران به تحصیل آزاد باشد، والدین در مورد اعزام فرزندان به مدرسه و مدت تحصیل آنان تصمیم می‌گیرند و بسیاری از والدین در کشورهای در حال توسعه - خصوصاً خانواده‌های مستمند با اعضای زیاد - احساس می‌کنند که قادر به فرستادن تمام فرزندان و به ویژه دختران به مدرسه نیستند. بنابراین دخترها اغلب در امور خانه‌داری همکاری می‌کنند و در نتیجه خانواده‌ها مخارج مستقیم از قبیل شهریه مدرسه، کتب درسی و پوشاک را تحمل نمی‌نمایند؛ اما به علت اشتغال فرزندان به کارهای خانه، عملاً ارزش‌ها و امکانات آینده آنها سلب می‌شود. البته عموماً نظر خانواده‌ها در مورد تحصیل دخترها و پسرها متضاد است و سنت‌های فرهنگی و همچنین نگرانی والدین در مورد امنیت دختران یکی از مسایل عمده در امر تصمیم‌گیری والدین نسبت به فرستادن آنها به مدرسه به شمار می‌آید. علاوه بر این، فرصتهای محدود اقتصادی نیز بر آینده دختران و شکوفایی تواناییها و استعدادهاشان تأثیر منفی می‌گذارد. در این جوامع، سرمایه‌گذاری در تحصیل دختران نسبت به تحصیل پسران اهمیت کمتری دارد و نقش دختران بیشتر در امور خانه‌داری است. بنابراین، مسلماً آنها در سطوح بالاتر سنی و بدون تحصیلات قادر به رقابت اجتماعی -

پیشرفت آموزش به تفکیک مناطق جغرافیایی (از ۱۹۶۵ تا ۱۹۸۷)



اقتصادی با پسران نخواهند بود.

روشهای قابل اجرا در آینده:

چگونه می توان این سیکل را از بین برد؟ در جوامعی که تحصیل دختران در مدنظر می باشد، لزوماً ترفیع و ترقی جامع در امر تحصیل حادث می گردد. خط مشی سیستم آموزشی و تحصیلی به نحوی است که اثرات مستقیم در کاهش هزینه های تحصیلی دختران دارد و در کنار آن، والدین را به امر تحصیل آنها تشویق می کند. از حدود دو دهه گذشته، برخی از کشورهای در حال توسعه سعی کرده اند که سیستم تحصیلی و آموزشی خود را با نگرانیها و نکات مورد تأکید والدین سازگار نمایند. آنها به منظور جلب و جذب پسران و دختران به امر تحصیل انگیزه هایی را مطرح کرده اند. البته هنوز این تصمیمات و خط مشی ها به طور گسترده در کشورهای در حال توسعه مشهود و آشکار نیست. به طور کلی، در زمینه تشویق دختران به امر تحصیل و آموزش، دو دسته خط مشی اعمال می گردد: دسته اول به امر تشویق و جذب والدین به منظور پرداخت هزینه های تحصیلی دختران معطوف است و دسته دیگر راهها و روشهای دستیابی به امر تحصیل و کیفیت تحصیلی را بهبود می بخشد.

کاهش هزینه ها:

در برخی از کشورها، کاهش هزینه های مستقیم و غیرمستقیم تحصیلی، والدین را به امر تحصیل فرزندان تشویق می نماید. به طور مثال در کره، تحصیل اجباری با حذف شهریه، تدارک کتب درسی آزاد و تهیه غذای مدرسه و همچنین کاهش مخارج مربوط به اونیفورم مدرسه همراه شد. در سری لانکا، به منظور تکمیل خط مشی تحصیل اجباری، کتب درسی آزاد، برنامه ریزی غذایی برای سطوح ابتدایی و کمک هزینه برای دانش آموزان مستمند عرضه

شده است. بررسی های انجام شده در پرو نشان می دهد که عرضه کتب درسی آزاد در سطح ابتدایی، ثبت نام دختران را افزایش داده است. در بنگلادش و گواتمالا، پرداخت کمک هزینه در سطوح ابتدایی و دبیرستان تأثیر فراوانی در افزایش نام نویسی دختران داشته و میزان ثبت نام بانوان را در سطح دبیرستانی از $27/3$ درصد مربوط به قبل از اجرای این پروژه، به $43/5$ درصد افزایش داده است. اجرای این برنامه دارای منافع دیگری است، از جمله: به تعویق انداختن زمان ازدواج دختران، شرکت بیشتر آنها در امور مختلف اجتماعی، تمایل و تشویق آنها به امر تحصیل و بسیاری موارد دیگر.

از سوی دیگر، کم کردن زمان حضور دختران در مدارس و همچنین سبک کردن دروس می تواند باعث افزایش میزان ثبت نام آنها گردد. به طور مثال، در چین و هند، برنامه های تغییر پذیر و قابل انعطاف ساعات درسی و به همراه آن، مشارکت دختران در امور خانه داری نتایج بسیار مطلوبی داشته است. یکی دیگر از راههای تشویق و جذب زنان به تحصیل، اجازه نگهداری و آوردن برادر یا خواهر کوچکتر به مدرسه می باشد. جانشینی تکنولوژی به جای نیروی انسانی و عرضه آب و سوخت مورد نیاز خانواده، به اضافه تأمین امکانات ایاب و ذهاب، عملاً مسوولیت دختران را در امور خانه داری سبک تر کرده و لذا تمایل والدین را در امر تحصیل آنها افزایش می دهد.

نگرانیهای والدین:

فاصله خانه تا مدرسه، یک نگرانی عمده والدین است و این مانع و عامل، بیشتر متوجه دختران می باشد. والدین برای فرستادن دخترها به مدارس دور، بی میل تر از فرستادن پسرها می باشند. در مصر، موقعیت محلی یک مدرسه تا فاصله ۱ کیلومتری شهر یا منطقه، منتج به نرخ ۹۴ درصدی برای ثبت نام پسران و نرخ ۷۴ درصدی برای ثبت نام دختران می شود.

وقتی این مسافت به ۲ کیلومتر برسد، آنگاه ثبت نام پسرها به طور جزیی تنزل یافته و به ۹۰ درصد می رسد، در صورتی که نام نویسی دختران به ۶۴ درصد سقوط می نماید. هم چنین شایان ذکر است که از لحاظ فرهنگی، وجود دیوار در اطراف مدارس دخترانه نگرانی والدین را در مورد امنیت دخترانشان کاهش می دهد.

تجربیات نشان می دهند که مدارس دخترانه بیشتر از مدارس مختلط، دختران را به ثبت نام تشویق می نماید و در عین حال باعث افزایش موفقیتها و بهبود قوه درک آنها می شود. به علاوه، بررسی های انجام شده در برخی از کشورها نشان می دهد که دختران بیشتر به دروس زبان و ریاضیات تمایل دارند و هم چنین وجود خانمهای آموزگار در مدارس دخترانه، موجب افزایش نرخ ثبت نام دختران می شود.

نتیجه گیری:

به طور کلی، تحقیقات نشان می دهند که:

- توجه به امر تحصیل زنان از لحاظ اجتماعی و اقتصادی بسیار مهم می باشد.
- هنوز در بسیاری از کشورها میان سطح آموزش ابتدایی و دبیرستان شکافهای عمده و اساسی وجود دارد.
- در قسمت اعظمی از جهان و از دید اکثر والدین، تحصیل پسران سرمایه بهتر و مهمتری است و تحصیل زنان فقط نقش کمکی دارد.
- برای ایجاد انگیزه در والدین جهت فرستادن دختران به مدرسه، باید کاملاً به تفکرات و تصورات والدین توجه نمود.
- نتایج به دست آمده از طرحهای مطالعاتی مختلف هنوز خام هستند و نمی توانند نتایج مشخصی را ارائه نمایند.

(مأخذ: Finance and Development)
